



رامین جهان پور - روی جلد کتاب «قهوه‌خانه ساحلی» نوشته ی ناخدا عبدالرسول غریبی دریانورد اهل قلم یوشهری این‌طور می‌خوانیم: «داستان‌هایی از زندگی دریانوردان تنگسیر». نویسنده کتاب در همان آغاز، قبل از اینکه خواننده، کتابش را باز کند و ورقش بزند تکلیفش را با او روشن کرده است. با دیدن نقاشی روی جلد و خواندن این جمله، خودمان را آماده رفتن به جنوب و زندگی درمیان دریانوردان و ماهیگیران و بلم‌ها و لنج‌های قدیمی دیار تنگستان می‌کنیم. مجموعه داستان‌ها قهوه‌خانه ساحلی از هشت داستان کوتاه و بلند به نام‌های «بهمن و بوسلامه»، «قهوه‌خانه ساحلی»، «عاشق دریا»، «جشن استقلال کویت»، «سبیه ساکن»، «کرتاب و مسقطی»، «مصدق» و «امعالمه زارغلوم» تشکیل شده است. این مجموعه داستان را اگر بخوام هم جز طبقه‌بندی‌های مرسوم ادبیات قرار دهم جز ادبیات اقلیمی کشور محسوب می‌شود چون جغرافیای داستان و دیالوگ‌ها و صحبت‌هایی که بین شخصیت‌های داستان‌ها رد و بدل می‌شود سرشار از تکیه‌کلام‌ها و اسم‌ها و صحبت‌های یوشهری است. قبل از عبدالرسول غریبی نویسنده‌گان دیگری هم در جنوب ایران بوده‌اند که روی ادبیات بومی منطقه و استانشان کار کرده‌اند که از معروف‌ترین آنها می‌توان از احمد محمود یاد کرد که اهل اهواز بود و در داستان‌هایش همیشه سعی می‌کرد از واژه‌ها و اصطلاحات بومی مردم و ماهیگیران و دریانوردان و جاشوهای خوزستانی استفاده کند. تمام ماجراهای داستان‌های این کتاب بسر محور دریا و بندر و ساحل‌های داغ جنوب و سواحل خلیج فارس می‌گذرد و بدیهی است نویسنده از خاطرات سفرهای دریایی‌اش در این کتاب بهر‌های زیادی برده است و نکته دیگر اینکه داستان‌های این کتاب به هم پیوسته نیستند و ماجرای هر کدام از آنها با دیگری متفاوت است و نویسنده در هریک از نوشته‌هایش به موضوع متفاوتی در رابطه با زندگی در دریا پرداخته است. گاهی داستان‌های بومی به‌خاطر استفاده بیش از حد از واژه‌ها و کلمات محلی، برای افراد غیر بومی آن منطقه سختخوان می‌شوند و اینجا تنها راه نجات ازاین برهه، نثر روان و صمیمی نویسنده و مهارت او در فضاسازی و قابل لمس نشان دادن شخصیت‌ها و وقایع داستان است که باعث می‌شود مخاطب غیربومی، با نویسنده ماجراهایش همذات‌پنداری کند و با دنبال کردن ماجراهای داستان خود را در میان هوای نمناک و شرجی دریا‌های جنوب و روی شن‌های داغ سواحل خلیج فارس احساس کند. این مساله کاملا در داستان‌های احمدمحمود مشهود است. نویسنده قهوه‌خانه ساحلی که خود زیستن در دریا را با گوشت و پوستش احساس کرده، در کنار اشاره به خطرات شاد و غمگین بلم‌رانان و دریانوردان جنوبی کشور، مخاطب را با آن سوی سکه سفرهای دریایی که همان دوری از خانواده، طوفان و خشمم دریا و مصائب و خطرات شغل دریانوردی و صیادی است هم آشنا می‌کند و دوم اینکه این کتاب نه تنها جنبه سرگرمی و ادبی دارد بلکه گوشه‌هایی از سبک زندگی و آداب و سنن مردمان آن دیار را را به بهترین نحو برای مخاطبانی که با مقوله دریا و دریانوردی بیگانه‌اند و هیچ شناسختی از زندگی در اقیانوس‌ها ندارند آشنایی می‌سازد. اصلا یکی از خصلت‌های مهم ادبیات داستانی این است که مخاطب با آداب و سنن فرهنگ‌های مختلف جامعه و کشورش آشنا می‌شود. نکته جالب توجه‌ای که نمی‌توان از آن گذشت توصیف و فضا سازی نویسنده در پرداخت زمان و مکان قصه‌هاست که به جانداربودن داستان‌ها کمک می‌کند. در آخر با هم چند نمونه از جملات توصیفی داستان‌های این کتاب را مرور می‌کنیم: «ظلمت و تاریکی اطراف بوم را فرا گرفته بود. فقط در قسمت پاشنه بوم، تجمع جاشوها و نورفانوس‌ها، راهنمای کوچکی برای رهگذاران دریایی و سفره نوری اندک بر ای ساکنان بوم بود...» (داستان بهممن و بوسلامه - صفحه ۳۹)... «بوی احمد در گوشه‌ای دیگر از ساحل، آتش مفصلی برپا کرده بود و خورشید مجدعلی هم سه چهار چنگل پرخرما آورده بود تا با جمع دوستان ماهیگیرش، زارحسین و زاربریم و یعقوب، با کباب کردن ماهی گمگام روی آتش، پیش‌ناهار مفصلی را برای خودت ترتیب دهند...» (داستان قهوه‌خانه ساحلی - صفحه ۵۶)... «ناخدا مالک با دقت و هوشیاری سکان را گرفته بود. درمیان موج‌های مسلسل‌وار و خروشان همچون غزالی تیز تک که خود را از هجوم گرگ‌ها دردمانه و قله کوه‌ها می‌رهاند، بلم را بدین سنان از میان موج‌ها به سلامت عبور می‌داد...»



گروه دانش دریا-سهیل مرتضوی - سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در تلاش است با اقدامات قانونی، پژوهشکده اکولوژی دریای خزر واقع در استان مازندران را رفع پلمب کند. از سوی دیگر، مهدی یونسی‌رستمی، استاندار مازندران با تأکید بر اهمیت پژوهشکده اکولوژی خزر می‌گوید: استانداری مازندران با تمام توان برای رفع موانع و استمرار فعالیت این مرکز علمی اقدام خواهد کرد. به نظر می‌رسد پس از مدت‌ها دستگاه‌های مختلف کشور به اهمیت وجود پژوهشکده اکولوژیک خزر به‌عنوان بزرگ‌ترین پژوهشکده دریایی کشور پی برده‌اند و حالا تلاش‌ها برای رفع پلمب و ادامه فعالیت این مجموعه بیشتر از گذشته شده است.

به گزارش روزنامه دریایی اقتصاد سرآمد، پژوهشکده اکولوژیک خزر به‌عنوان بزرگ‌ترین مرکز تحقیقاتی دریایی کشور، حالا مدتی است که با حاشیه‌هایی همراه شده؛ چند روز پیش بود که خبر تعطیلی این پژوهشکده در برخی رسانه‌ها منتشر شد و از آن پس نام و سرنوشت این مرکز تحقیقات دریایی بیشتر از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. روزهای میانی فروردین‌ماه سال جاری بود که برخی رسانه‌ها گزارش دادند که قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین پژوهشکده اکولوژیک ملی و بین‌المللی واقع در سواحل خزر به دلیل صدور حکم قضایی مبنی بر ادعای مالکیت اراضی از سوی اشخاص حقیقی و دستور خلع‌ید به‌زودی بسته می‌شود. این خبر از سوی داریوش عبادی، مدیرعامل انجمن محیط‌زیست مازندران و محمد امینی، مدیرعامل انجمن کشاورزان مازندران و رئیس جامعه جنگل‌بانی ایران که از همکاران پژوهشکده اکولوژیک دریای خزر در حوزه تحقیقات، مشاوره و پژوهش نیز هستند، مطرح شد.

مطالبه‌ای برای توقف پلمب پژوهشکده خزر
خبرگزاری فارس پلمب پژوهشکده اکولوژی خزر را یک تهدید ملی دانسته و باران‌اندازی کارزاری در بخش مطالبات سایت خبری خود از شبکه شیلات ایران، رئیس محترم قوه قضائیه، رئیس مجلس، رئیس‌جمهور، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان اطلاعات سپاه، سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، استانداری مازندران، دادستان محترم کل کشور و وزارت کشاورزی خواسته است تا توقف اجرای

«روزنامه سرآمد» از تبعات تعطیلی یک پژوهشکده دریایی در کشور گزارش می‌دهد؛

پلمب پژوهشکده دریایی خزر به چه قیمت؟!

ادامه حیات «پژوهشکده اکولوژیک خزر» یک ضرورت ملی است

حدود ۵هزار نمونه از آب‌زیان برای تکثیر مصنوعی جهت حفاظت از دریای خزر و تعادل زیستی در آن از بین خواهد رفت. برخی کارشناسان معتقدند که این تصمیم تبعات اجتماعی و بین‌المللی نیز خواهد داشت، به این دلیل که نظارت و کنترل بر صید ۱۲ هزار صیاد و شغل آن‌ها در سواحل خزر کنار می‌رود و این یک تهدید محسوب می‌شود. از سوی دیگر، این فعالان حوزه محیط‌زیست اعلام کرده‌اند که ساختمان پژوهشکده دارای قدمت تاریخی است و به‌عنوان میراث ملی باید حفظ شود. آن‌ها از دستگاه قضایی درخواست اعمال ماده ۴۷۷ مبنی بر دستور توقف عملیات اجرایی و پذیرش اعاده دادرسی از سوی آن مرکز را دارند.

تبعات ملی و بین‌المللی تعطیلی پژوهشکده خزر

تعطیلی بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین مرکز تحقیقاتی دریای خزر با حکم شعبه ۱۱ دادگاه عمومی و حقوقی ساری، واکنش‌های گسترده‌ای در میان فعالان محیط‌زیست و کارشناسان منابع طبیعی به همراه داشته است؛ اقدامی که تبعات زیست‌محیطی، معیشتی و حتی امنیتی آن، دامن مازندران و دیگر استان‌های ساحلی را خواهد گرفت. در این پژوهشکده ملی، بیش از پنج‌هزار نمونه ژن ارزشمند ماهیان خاویاری، استخوانی و کیکلا در شرایط خاص نگهداری می‌شد. حالا در پی تعطیلی ناگهانی این مرکز و عدم فرصت برای اعاده دادرسی، این ذخایر ژنتیکی در معرض نابودی است؛ ذخایری که طی سال‌ها پژوهش و هزینه‌های سنگین ملی برای حفظ آن‌ها صرف شده بود و نقش کلیدی در بقای گونه‌های بومی خزر داشت.

هر چند پسروری‌های پی‌درپی آب خزر مصائبی را در بخش‌های مختلف زیست‌محیطی و زیرساختی استان‌های شمالی به همراه خواهد داشت، اما این پسروری مشکلاتی جدی برای نیروگاه برق نکا ایجاد کرد. با توجه به تداوم و سرعت پسروری آب خزر بدون شک این چالش در سال‌های پیش‌رو به مراتب افزایش یافته و اختلال در فرایند تولید برق در این نیروگاه را افزایش می‌دهد. با توجه به نقش پژوهشکده اکولوژیک در تحقیقات متعدد آبی‌پروری و اینکه پژوهشکده کیفیت‌سنجی سدهای کشور را در سدهای شهیدرجایی، میجران رامسر، در کردستان و خراسان ۳ و سد البرز انجام داده است تا شکوفایی جلبکی انجام نشود و بر کیفیت آب تاثیر نگذارد یا در حوزه بین‌المللی کمیته منابع زنده خزر با حضور ۵کشور فعالیت دارد و ذخایر خاویاری مزینه کیکلاماهیان و دیگر آب‌زیان و ذخایر خاویاری مباحث متعدد را دنبال می‌کند و هزارامیلیارد تومان تجهیزات در این مرکز وجود دارد و در آزمایشگاه پاتولوژی ۱۰۰میلیارد تومان تجهیزات وجود دارد که لازم است در حفظ بیت‌المال تدابیر مقتضی اتخاذ شود.

مسئولان پژوهشکده چه می‌گویند؟

مسئولان پژوهشکده از ارائه طرح‌های تحقیقاتی - کاربردی و ارائه بیش از هزار - ۱۰۰مقاله علمی در سمینارها و نشریه‌های علمی ملی و بین‌المللی خبر می‌دهند و می‌گویند: «در حال حاضر، بیش از ۵هزار نمونه ژن آب‌زیان شمال طی ۳۷سال با تلاش بی‌وقفه محققان آبی‌پرورری و شیلات جمع‌آوری‌شده و در این مرکز نگهداری می‌شوند که در معرض خطر نابودی قرار می‌گیرند.»

مسئولان پژوهشکده با اعلام نگرانی از صدور حکم قضایی که چندروز گذشته اجرا شد، گفته‌اند انقراض بخشی از ماهیان خزری، خاویاری و سایر آب‌زیان می‌تواند از پیامدهای نابودی پژوهشکده باشد. همچنین علی‌اکبر علایشاه، دادستان عمومی و انقلاب مرکز مازندران مدتی قبل در گفت‌وگو با برخی رسانه‌ها درخصوص رأی صادره از شعبه ۱۱ دادگاه عمومی و حقوقی شهرستان ساری، اعلام کرده است: رأی مبنی بر خلع‌ید و مهر و موم پژوهشکده اکولوژی دریای خزر صادر شده است. وی براساس اعلام این اخبار مندرج در رسانه‌ها، اظهار کرده است: موضوع پرونده مربوط به خلع‌ید پژوهشکده اکولوژی دریای خزر بوده که صادر و اجرایی شده است. وی همچنین افزود: زمین این مرکز به صورت مشاع بوده و باید از مشاع خارج شود و هر فرد، سهم خود را بگیرد. آگاهان این مسئله اعلام کردند، اشخاصی با ادعای مالکیت اراضی، براساس رأی صادره از شعبه ۱۱ دادگاه عمومی و حقوقی شهرستان ساری، دستور قضایی مبنی بر خلع‌ید را دریافت کردند و به این ترتیب پژوهشکده اکولوژیک دریای خزر بسته خواهد شد. آن‌ها گفته‌اند که این اقدام علاوه‌بر تبعات زیست‌محیطی به این دلیل که بانک ژن

وضعیت کار گران‌پس از انفجار اسکله شهیدرجایی!

برای اصلاحات ساختاری در حقوق و معیشت کارگران باشد؛ پیش از آنکه فاجعه‌های بعدی، این زخم را عمیق‌تر کنند. تبریک گفتن در چنین روزی، اگر با شناخت دردها و آرزاه واقعی برای تغییر همراه نباشد، چیزی جز نمک پاشیدن بر زخم نیست. امروزمان آن است که نه تنها گرامی‌بداریم که پاسخگو نیز باشیم. که نپرسیم کارگر برای ما چه کرده، بلکه بپرسیم ما برای او چه کرده‌ایم؟ تا روزی که «کارگر بودن» همزمان با امنیت، کرامت و رفاه باشد، نه صرفاً مشقت و فراموشی.

فعال رسانه‌ای

بدون شرح

قالب‌دوربین



عکس: اصغر بشارتی

• ایجاد سامانه شفاف ایمنی و گزارش دهی،

• الزام به بیمه و قرارداد رسمی برای تمامی کارگران بندر،

• و تشکیل صندوق‌های حمایت اضطراری برای حوادث شغلی در

اولویت سیاست‌گذاران قرار گیرد.

سخن آخر

انفجار اسکله شهیدرجایی، اگر چه یک حادثه صنعتی بود، اما فراتر از آن، نشانه‌ای از انفجار خاموش اعتماد، امنیت و عدالت برای کارگرانی بود که ستون‌های پنهان اقتصادند. این حادثه می‌تواند و باید نقطه عطفی

چه باید کرد؟ فراسوی وعده‌ها و رسانه‌ها

تجلیل از «کارگران فلاکار بندر» در رسانه‌ها، هرگز جای خالی قرارداد دائمی، بیمه درمانی و حمایت قضایی را پر نمی‌کند. اگر حادثه اسکله شهیدرجایی دردی را آشکار کرده، آن درد، زخم قدیمی سیستم کاری است که کارگران را تنها منبع مصرف انرژی می‌بیند، نه انسان‌هایی با حقوق، کرامت و امنیت.

اکنون زمان آن است که:

• بازنگری جدی در وضعیت بیمه‌نکاری‌ها،

ادامه از صفحه اول

علاوه‌بر آسیب‌های جسمی و روانی، پیامد دیگر انفجار، رکود نسبی در فعالیت‌های بندری و اختلال در فرآیند بارگیری و تخلیه بود؛ مسئله‌ای که مستقیماً بر درآمد هزاران کارگر روزمزد را پروژه‌ای تأثیر گذاشت. وقتی اسکله خاموش می‌شود، نان کارگر نیز قطع می‌شود. این رخداد نشان‌داد که زندگی کارگران، همچون چرخ‌های کانتینری که جابه‌جایی‌کنند، زیر سایه بی‌ثباتی و ناامنی می‌چرخد؛ بی‌آنکه چتر حمایتی موثری بالای سرشان باشد.



فریداعلی‌زی - اقتصاد سرآمد